

عوامل انسجام متنی در سوره نوح

یونس ولیئی^{۱*}، سید محمود میرزایی الحسینی^۲، محمد فرهادی^۳

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه لرستان، لرستان، ایران

yunusvaliei@yahoo.com

۲- استادیار زبان و ادبیات عرب دانشگاه لرستان، لرستان، ایران

mahmudalhosaini@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه لرستان، لرستان، ایران

mohammadfarhadip@gmail.com

چکیده

یکی از مباحث زبان‌شناسی نقش‌گرا، نظریه انسجام متنی است. این نظریه عواملی که اجزاء تشکیل‌دهنده متن را به هم مرتبط می‌سازد و سبب انسجام و هماهنگی آن می‌شود، بررسی می‌کند. الگوی این نظریه را هلیدی و حسن (۱۹۷۶) ارائه دادند. آن‌ها عوامل انسجام متنی را به سه دسته تقسیم کردند: عامل واژگانی، عامل دستوری، عامل پیوندی. هر یک از این عوامل خود به چند قسمت تقسیم می‌شوند که وجود آن‌ها در یک متن، آن متن را منسجم و اجزاء تشکیل‌دهنده آن را با هم مرتبط می‌کند. در مقاله حاضر سعی بر این شده است تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی عوامل انسجام متنی در سوره نوح بررسی شود. ابزارهای آفریننده انسجام متنی در سوره نوح به سه دسته تقسیم می‌شوند: اول، عامل واژگانی که در این سوره شامل تکرار و باهم‌آیی است، که هر یک از این دو خود چندین زیر مجموعه را در بر می‌گیرند. دوم، عامل دستوری، این عامل به سه صورت ارجاع، جایگزینی و حذف در انسجام متنی سوره مؤثر شده است. سوم، عامل پیوندی که در دو نوع ارتباط اضافی و ارتباط زمانی در سوره یافت می‌شود. در بین این عوامل به ترتیب عامل واژگانی سپس عامل دستوری و در پایان عامل پیوندی از بیشترین بسامد در سوره برخوردار هستند و بیشترین تأثیر را در منسجم ساختن سوره نوح بر عهده دارند.

واژه‌های کلیدی

سوره نوح، انسجام متنی، انسجام واژگانی، انسجام دستوری، انسجام پیوندی.

مقدمه

تجزیه و تحلیل گفتمان یکی از گرایش‌های جدید علم زبان‌شناسی است. این شاخه جدید در دهه‌های اخیر توانسته است توجه بسیاری را به خود جلب کند. آنچه در همه تعاریف از گفتمان، مشترک است، این است که گفتمان واحد بزرگ‌تر از جمله است (باغینی پور، ۱۳۷۵م، ص ۱۷). زبان‌شناسی متن نیز شاخه‌ای از تحلیل گفتمان است که بر مطالعه متون و سازمان نوشتاری متن تأکید می‌ورزد و بیشتر با انسجام‌های ساختاری متن سروکار دارد. مطالعه ویژگی‌های متن از قبیل همه آنچه سبب می‌شود تا نوشته‌ای را متن بنامیم، در حوزه زبان‌شناسی متن است. این شاخه جدید زبان‌شناسی در پی این است که متن چیست؟ و چگونه تولید می‌شود؟ (آقا گل زاده و افخمی، ۱۳۸۳ش، ص ۸۹) انسجام کمک شایانی به تحلیل متن می‌کند، چرا که برخی عناصر متن جز با در نظر گرفتن رابطه آن‌ها با دیگر عناصر، تحلیل و تفسیر نمی‌شوند و در بسیاری مواضع متن بسان بنایی است که اجزاء آن با ارتباطی که با هم دارند، شاکله را تشکیل داده‌اند. «متن تنها از یک یا چند جمله که معنا یا پیام معینی دارد، تشکیل نشده؛ بلکه در داخل متن روابط معینی که بین جمله‌ها برقرار است، آن را تشکیل می‌دهد. در مطالعات سخن‌کاوی مجموعه‌ای این روابط بین جمله‌ای که آفریننده متن است، «انسجام متنی» (textual cohesion) نامیده شده‌است» (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۱ م، ص ۱۰).

انسجام متنی نظریه‌ای است که اولین بار هیلیدی و حسن در کتاب «انسجام در انگلیسی» مطرح کردند. انسجام به مناسبات معنایی اشاره دارد که به کلام یک‌پارچگی و وحدت می‌بخشد و آن را به مثابه یک

متن، از مجموعه‌ای از جملات جداگانه و نامربوط متمایز می‌کند (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶ ش، ص ۶۳).

واحدهای سخن با توجه به نقشی که اجزای زبان در انجام نقش کلی ارتباط زبانی ایفا می‌کنند، تعیین می‌شوند. هیلیدی و حسن معتقدند که انسجام به کلیه رابطه‌هایی اطلاق می‌شود که عنصری از یک جمله را به عناصر جملات قبلی مرتبط می‌کند (همان، ۳۰). این نظریه اولین بار برای تحلیل عوامل انسجامی در زبان انگلیسی به کار رفت؛ اما بر همه زبان‌ها تطبیق می‌شود، با این تفاوت که ممکن است الگوهای انسجام از زبانی به زبان دیگر مختلف باشد. عوامل انسجام متنی و روابط جمله‌ای از نظر هیلیدی و حسن به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف) واژگانی: این عامل شامل تکرار، باهم‌آیی و حوزه‌های معنایی است. ب) عوامل دستوری: شامل ارجاع، جایگزینی و حذف است. ج) عوامل پیوندی: شامل حروف ربط است (یاحقی و فلاحی، ۱۳۸۹ ش، ص ۳۳۱).

بررسی این عوامل در هر زبانی و در هر متنی ممکن است. مقاله حاضر نیز این عوامل را در سوره نوح بررسی می‌کند. متن قرآن از جمله متونی است که از دیرباز زبان‌شناسان به آن بسیار توجه کرده‌اند و از جنبه‌های مختلف زبانی آن را بررسی کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین نظریه‌های زبانی که در تبیین اعجاز زبانی قرآن ارائه شده است، نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی است. این نظریه چپ‌ش واژگان در کنار یکدیگر و ارتباط آن‌ها با واژگان قبل و بعد از خود را بررسی می‌کند. نظریه نظم با نظریه انسجام واژگانی یک وجه اشتراک دارد و آن بررسی ارتباط واژگان و عبارات یک متن با یکدیگر است.

مقاله «دور الضمائر فی التماسک النصی فی القرآن الکریم، دراسة موجزة فی کتب التفاسیر» از شرافت کریمی (۱۳۹۰). نویسنده در این مقاله نقش ضمائر در انسجام متنی قرآن کریم را با توجه به برخی کتاب‌های تفسیری بررسی کرده است.

پایان‌نامه دکتری «التماسک النصی بین النظرية و التطبيق: سورة الأنعام أنموذجاً» از ناصر محمود صالح النواصره (۲۰۰۹ م). نگارنده در این پایان‌نامه علاوه بر بیان مباحث نظری انسجام متنی، آن را در سوره أنعام بررسی تطبیقی کرده است.

بر اساس پژوهش‌های نگارندگان تاکنون هیچ پژوهشی انسجام متنی در سوره نوح را بررسی نکرده است.

انسجام متنی در سوره نوح

سه عامل واژگانی، دستوری و پیوندی که هلیدی و حسن انسجام متن را وابسته به وجود آن‌ها در متن می‌دانند، هر سه در سوره نوح وجود دارند و هر یک دارای بخش‌های مختلفی هستند.

انسجام واژگانی

انسجام واژگانی را حضور واژه‌های مشابه و مرتبط به وجود می‌آورد. موضوع هر گفته و نوشته این امر را تأمین می‌کند، برای مثال متکلمی که از آب و هوا حرف می‌زند، به‌ناچار از کلماتی مانند هوا، هوای گرم، هوای سرد، رطوبت، ابری، آفتابی و ... استفاده خواهد کرد. صرف حضور این واژه‌ها در متن، انسجامی را به وجود می‌آورد که مخاطب را در فضای اطلاعاتی خاصی قرار می‌دهد (صلح‌جو، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۴).

مقاله حاضر با به‌کارگیری روش توصیفی-تحلیلی به دنبال جواب دادن به سؤال‌های زیر است:

۱- ابزارهای آفریننده انسجام متنی در سوره نوح کدام‌اند؟

۲- کدام یک از عوامل انسجام متنی از بسامد بیشتری در سوره نوح برخوردارند؟

پیشینه پژوهش: تاکنون پژوهش‌های متعددی در انسجام قرآن صورت گرفته است که بیشتر آن‌ها در قالب پایان‌نامه است و در اینجا به برخی از پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه اشاره می‌کنیم:

- بررسی عوامل انسجام متنی در قرآن: سوره یوسف»، پایان‌نامه ارشد از مجید فصیحی هرنندی (۱۳۸۰).

- مطالعه مفهوم انسجام زبانی در قرآن کریم»، پایان‌نامه ارشد از شکوه آذرنژاد (۱۳۸۵). آذرنژاد در این پژوهش عوامل انسجام متنی در ۲۱ سوره از جزء سی‌ام قرآن را بررسی کرده است.

- پایان‌نامه ارشد «انسجام واژگانی در قرآن: بررسی سوره نور بر پایه نظریه هلیدی و حسن (۱۹۷۶)»، نوشته حسین رجیبی (۱۳۸۶) همان‌گونه که از عنوان مشخص است نویسنده از بین عوامل انسجام متنی تنها عامل واژگانی که شامل تکرار و باهم‌آیی است را بررسی کرده است.

مقاله «مقایسه کاربست عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن از صفار زاده» از معصومه نعمتی قزوینی و طاهره ایشانی (۱۳۹۴). نویسندگان در این مقاله ابزارهای آفریننده انسجام متنی در سوره اعلی و ترجمه آن از صفار زاده را بررسی و مقایسه کرده‌اند.

انسجام واژگانی متن در دو سطح بررسی می‌شود: در سطح جمله: یعنی واژگانی را که در یک جمله با هم ارتباط معنایی دارند بررسی می‌کند.

در سطح متن: در این بخش واژگانی که در بین جملات مختلف در سرتاسر متن با هم رابطه مفهومی دارند، تحلیل می‌شوند. بررسی روابط واژگان در این دو سطح انسجام متن را نشان می‌دهد (علاوی، ۲۰۱۱ م، ص ۱۲۷).

ابزار آفریننده انسجام واژگانی در سوره نوح

تکرار: تکرار به معنی به‌کارگیری متعدد برخی از عناصر جمله و متن است. تکرار سبب به وجود آمدن شبکه‌ای از روابط بین عناصر متن می‌شود، که انسجام متن را به دنبال خواهد داشت. عناصر تکرار شده در متن، ساختار متن را محکم و جانب دلالی آن را تقویت می‌کند (حلو، ۲۰۱۲ م، ص ۲۰). هم‌چنین تکرار کلمات مهم و کلیدی در متن می‌تواند مضمون اصلی متن را بارزتر و فهم آن را آسان‌تر و سریع‌تر کند (محمد، ۲۰۰۹ م، ص ۱۰۵).

در تکرار، یک واژه ممکن است در قسمت‌های مختلف متن، اول، وسط و انتها قرار بگیرد و این امتداد در انسجام و پیوستگی متن بسیار حائز اهمیت است و از پراکندگی اجزاء متن جلوگیری می‌کند. کارکرد تکرار، تجدید حافظه و نشان دادن ارتباط قبل و بعد است (حسان، ۱۹۹۳ م، ص ۱۰۹).

زبان علاوه بر رساندن خبر، نقش مهم دیگری بر عهده دارد و آن تبیین عواطف و احساسات انسان است. تکرار اگر عیبی دارد مربوط به زبان خبر است؛ چرا که بنا بر اصل اقتصاد زبان باید از اطناب که یکی از عوامل تکرار است، پرهیز شود؛ اما در زبان عاطفی، تکرار لازمه هنرآفرینی و خلاقیت هنرمندانه است (خلیلی جهان تیغ، ۱۳۸۰ ش، ص ۳۰).

یکی از عوامل واژگانی که نقش بسزایی در انسجام سوره نوح دارد، تکرار است. در بررسی عامل تکرار در سوره نوح تنها، واژگانی که نقش محتوایی خاصی در متن دارند، بررسی شده‌اند و از بررسی واژگانی مانند حروف اضافه و حروف ربط خودداری شده است. در سوره نوح تکرار به دو گونه است:

تکرار لفظی: تکرار لفظی به معنای تکرار یک واژه در متن است. این نوع از تکرار خود به دو دسته تقسیم می‌شود:

تکرار تام یا تکرار محض: تکرار واژه در متن بدون هیچ گونه تغییری، تکرار تام نامیده می‌شود (عبدالمجید، ۱۹۹۸ م، ص ۸۰). این نوع از تکرار خود به دو دسته تقسیم می‌شود: (أ) تکرار نزدیک: در این نوع واژگان تکرار شده در مجاور هم یا در یک جمله قرار می‌گیرند. (ب) تکرار دور: واژگان تکراری در جملات مختلف قرار می‌گیرند. در سوره نوح برخی از واژگان تکراری در یک جمله قرار گرفته‌اند و برخی دیگر در جملات مختلف پراکنده شده‌اند. در جدول زیر کلمات تکراری و بسامد هر یک از آنها را در جمله مشاهده خواهیم کرد:

جدول ۱: کلمات تکراری و بسامد هر یک از آن‌ها در جمله

واژه	تعداد تکرار	واژه	تعداد تکرار	واژه	تعداد تکرار
نوح	۳	قوم	۴	قَالَ	۴
الله	۷	تزد	۲	أَجَلَ	۲
رَبِّ	۴	دَعَوْتُ	۳	يَجْعَلُ	۲
خَلَقَ	۲	جَعَلَ	۳	الْأَرْضِ	۳
يَزِدُّ	۲	تَذَرْنَ	۲	تَذَرُ	۲
الظَّالِمِينَ	۲				

ارتباط تنگاتنگی دارند؛ مانند کلمات نوح، الله، رب، قوم، دعوت، قال و... . تکرار این کلمات موضوع اصلی سوره را تأکید می‌کند و همانند شبکه‌ای مرتبط در سرتاسر سوره، اجزاء را با هم مرتبط و منسجم می‌سازد. این بسامد بالای تکرار همچنین درک معنی را برای مخاطب آسان می‌کند؛ چرا که مخاطب در بسیاری از آیات سوره با واژگانی روبرو می‌شود که در آیات قبل آن‌ها را دیده و با آن‌ها آشنا شده است و به محض دیدن دوباره آن‌ها، آیات قبلی که این واژگان در آن‌ها به کار رفته بود، برایش تداعی می‌شود.

تکرار جزئی: گاهی ریشه بعضی از واژگان یکی است و واژه با اندکی تغییر در صیغه تکرار می‌شود، تکرار به این صورت تکرار جزئی نامیده می‌شود (عبدالمجید، ۱۹۹۸ م، ص ۸۲). در سوره نوح نیز واژگانی است که از یک ریشه مشتق شده‌اند و در صیغه‌های مختلف به کار رفته‌اند. تکرار جزئی در این سوره شامل نمونه‌های زیر است:

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده شد، واژگان تکراری در سوره نوح به دو صورت اسمی و فعلی به کار رفته‌اند. این واژگان تکراری نقش بسزایی در انسجام سوره دارند، برخی از آن‌ها تنها در یک آیه تکرار شده‌اند؛ اما بعضی دیگر در آیات متعدد به کار رفته و ارتباط خاصی بین آیات به وجود آورده‌اند؛ چرا که واژه‌ای مانند «قوم» با اینکه ۴ بار در سوره به کار رفته است؛ اما در هر چهار بار به قوم حضرت نوح اختصاص دارد، یا کلمه‌ای مانند «قال» که چهار بار در سوره آمده، در هر چهار بار به حضرت نوح اسناد داده شده است و بیشتر واژگان تکراری در سوره به این صورت هستند، این امر بر ارتباط و هماهنگی بین آیات سوره دلالت می‌کند؛ چرا که اجزاء سوره را به هم متصل می‌سازد.

در این سوره بیشتر کلمات محوری تکرار شده‌اند که با محتوای کلی سوره که دعوت حضرت نوح از قوم خویش به توحید و پرستش پروردگار است،

جدول ۲: تکرار جزئی در سوره نوح

واژه	تعداد صورت‌ها	صورت‌های تکرار	واژه	تعداد صورت‌ها	صورت‌های تکرار
نذر	۲	نذیر، أنذر	کان	۲	كُنْتُمْ، كَانِ.
عبد	۲	اعبدوا، عباد.	قال	۲	قلت، قال.
غفر	۵	يَغْفِرُ، تَغْفِرُ، اسْتَغْفِرُوا، عَفَّارًا، اغْفِرْ	دعا	۲	دعاء، دعوت.
کبر	۳	اسْتَكْبَرُوا، اسْتَكْبَارًا، كُبَارًا.	أسرّ	۲	أسررت، إسرار.
أرس ل	۲	أرسلنا، يرسل.	سما	۲	سما، سماوات.
أنبت	۲	أنبت، نبات.	خرج	۲	يخرج، اخراج.
ولد	۲	ولد، والد، يلدوا	ضلّ	۳	أضلوا، يضلوا، ضلال.
دخل	۲	أدخلوا، دَخَلَ	كفر	۲	الْكَافِرِينَ، كَفَّارًا.
آمن	۳	مُؤْمِنًا وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ	مال	۲	مال، أموال.
مکر	۲	مَكْرُوا، مَكْرًا.	إله	۲	الله، آلهة.

آورده نشده است تا واژه قبل سریع به ذهن خطور کند؛ بلکه با تغییراتی در ساختار واژه قبل به کار رفته؛ لذا ذهن مخاطب نیازمند تلاشی دو برابر است، تا متوجه تغییرات به وجود آمده شود و واژه قبل را به یاد آورد، این امر نقش بسزایی در انسجام متنی سوره ایفا می‌کند چرا که سبب ارتباط بین آیات می‌شود.

تکرار معنایی: عبارت است از تکرار معنی با واژگان متفاوت و نه یکسان. این نوع از تکرار انواع مختلفی دارد که شامل: شمول معنایی، ترادف، تضمین است (عبدالمجید، ۱۹۹۸ م، ص ۸۰).

شمول معنایی: یعنی مفهوم یک واژه مفاهیم چند واژه دیگر را شامل شود (پالمر، ۱۳۷۴ ش، ص ۱۳۲). یا به عبارت دیگر اسمی که مبنای مشترکی را در بین چندین اسم حمل می‌کند، مثلاً کلمه انسان شامل مرد، زن، دختر، بچه و شخص می‌شود (عبدالمجید، ۱۹۹۸

واژگان تکراری در این قسمت نیز به دو صورت اسمی و فعلی استفاده می‌شوند، گاهی از یک ریشه تنها افعال، مشتق شده‌اند؛ البته به صورت متعدد و در صیغه‌ها و زمان‌های مختلف، گاهی نیز تنها اسم مشتق شده است ولی در وزن‌های مختلف، در بعضی کلمات نیز هم اسم مشتق شده است و هم فعل. برخی از واژگان این قسمت نیز مانند تکرار تام در یک آیه آمده و برخی دیگر در آیات مختلف به کار رفته‌اند. این نوع از تکرار در فهم معنای واژگانی که از یک ریشه مشتق شده‌اند مؤثر است و به خواننده کمک می‌کند تا راحت‌تر با متن ارتباط یابد و مفهوم آن را دریافت کند؛ چرا که او در طول سوره با برخی کلمات مواجه می‌شود که در آیات قبل به‌طور نسبی با آن‌ها آشنا شده است. این نوع از تکرار ذهن مخاطب را فعال می‌کند؛ چرا که همانند تکرار تام، کلمه عیناً

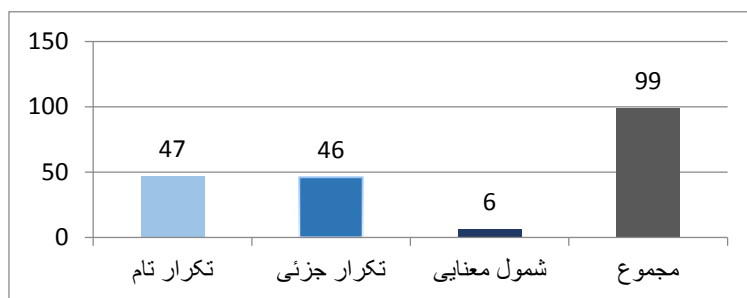
انسجام سوره دارد، چرا که تنها در یک آیه به کار رفته است.

همان‌گونه که مشاهده شد، واژگان متعددی در سراسر سوره نوح است که به صورت‌های مختلف تکرار شده‌اند، برخی از آن‌ها به صورت لفظی و برخی دیگر به صورت معنایی. بسامد واژگانی که به صورت لفظی تکرار شده‌اند بسیار بیشتر از بسامد واژگانی است که به صورت معنایی تکرار شده‌اند. این واژگان مکرر نقش بسزایی در انسجام متن دارند؛ چرا که با تکرار در آیات مختلف سوره، قسمت‌های مختلف آن را به هم پیوند داده‌اند و ارتباط خاصی بین اجزاء آن به وجود آورده‌اند و آن را منسجم و هماهنگ ساخته‌اند.

م، ص ۸۳). هر یک از واژه‌هایی که مفهومی‌شان را واژه شامل در بر می‌گیرد، واژه زیر شمول نامیده می‌شود. در سوره نوح از بین انواع تکرار معنایی تنها از شمول معنایی استفاده شده است که شامل نمونه‌های زیر است:

واژه آلهه در آیه ۲۳ شامل واژگان وَدًا، سُوعًا، يَغُوثَ، يَعُوقَ، نَسْرًا در همین آیه می‌شود؛ چرا که هر یک از این اسماء جزء خدایان بت‌پرستان بوده‌اند و نوعی اله به شمار می‌رفتند. واژه آلهه با اسامی بت‌ها که بعد از آن ذکر شده‌اند، رابطه عموم و خصوص مطلق دارد.

از بین انواع تکرار در سوره نوح، کم بسامدترین تکرار به شمول معنایی اختصاص دارد، به همین سبب در مقایسه با انواع دیگر تکرار اهمیت کمتری در



نمودار ۱: بسامد انواع تکرار

واژه به اندازه‌ای قوی است که به محض شنیدن یک واژه، واژه دیگر در ذهن تداعی می‌شود و انتظار می‌رود همراه آن به کار رود، این ارتباط قوی، نقش بسزایی در انسجام و پیوستگی متن دارد. روابط مفهومی کلمات با هم آیند، که از عوامل انسجام متن است به چند دسته تقسیم می‌شود:

تضاد: گاهی ارتباط قوی بین دو کلمه متضاد سبب با هم به کارگرفتن آن‌ها می‌شود؛ چرا که بعضی مواقع ارتباط بین آن دو به گونه‌ای است که با شنیدن یکی از آن‌ها دیگری به ذهن خطور می‌کند، همانند ارتباطی

باهم‌آیی: یکی از مهم‌ترین ابزار انسجام متن در سطح واژگانی، پدیده باهم‌آیی است. این اصطلاح را اولین بار زبان‌شناس انگلیسی، فرث در سال ۱۹۵۷م به کار برد. او زبان‌شناسان را متوجه اهمیت بررسی‌های واژگانی کرد چرا که بعضی از واژه‌ها به‌خاطر همنشینی با واژه‌های مختلف تغییر معنا می‌دهند (برکاو، ۱۹۹۱ م، ص ۷۱). باهم‌آیی یعنی همنشینی واژگانی که ارتباط قوی بین آن‌ها، آن‌ها را به ترکیب شدن با هم سوق می‌دهد، مانند ارتباطی که بین واژه نوشیدن با واژه آب وجود دارد. گاهی ارتباط بین دو

که بین دو کلمه بالا و پایین، چپ و راست وجود دارد. تضاد در سوره نوح به دو صورت به کار رفته است:

تضاد بین افعال: در این نوع، دو واژه متضاد فعل هستند، که در سوره نوح نمونه‌های زیر را دربر می‌گیرد:

تضاد، بین دو فعل *أَعْلَنْتُ* و *أَسْرَرْتُ* است در آیه *(ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا)* (۹). تضادی که اثبات یکی نفی دیگری را برساند؛ مانند دو کلمه مرده و زنده تضاد حاد نامیده می‌شود (مختار عمر، ۱۹۹۸ م، ۱۰۲). تضاد میان دو کلمه *أَعْلَنْتُ* و *أَسْرَرْتُ* از نوع تضاد حاد است. تضاد بین دو فعل *عَصَوْا* و *وَاتَّبَعُوا* در آیه *(قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا)* (۲۱) نیز تضاد حاد است.

تضاد بین اسماء: در این نوع دو کلمه متضاد اسم هستند، در سوره نوح تنها یک نمونه از این نوع تضاد وجود دارد و آن تضاد بین دو واژه *لَيْلًا* و *نَهَارًا* در آیه *(قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا)* (۵) است. تضاد بین لیل و نهار تضاد حاد است.

مراعات نظیر: مراعات نظیر یعنی آوردن کلماتی در سخن که از نظر معنا با هم تناسب دارند، نه از نظر تضاد (خطیب قزوینی، ۲۰۰۳ م، ۲۶۰). مراعات نظیر آوردن واژه‌هایی از یک دسته است که با هم هماهنگی دارند. این هماهنگی می‌تواند از نظر جنس، نوع، مکان، زمان و یا همراهی باشد. مراعات نظیر سبب تداعی معانی می‌شود و نقش مهمی در انسجام متن دارد؛ چرا که در آن از مجموعه‌ای از کلمات استفاده می‌شود که با یکدیگر هماهنگی و ارتباط معنایی خاصی دارند.

در سوره نوح در آیات متعددی بین برخی از واژگان رابطه مراعات نظیر وجود دارد که سبب شده است، واژگان آیه ارتباط معنایی قوی داشته باشند و نقش مهمی در انسجام متنی در سوره ایفا کنند، مراعات نظیر در سوره نمونه‌های زیر را دربر می‌گیرد: مراعات نظیر بین افعال *(اعْبُدُوا، اتَّقُوا، أَطِيعُوا)* در آیه سوم، دو جمع مکسر *(جَنَاتٍ وَّ أَنْهَارٍ)* در آیه ۱۲، در این آیه همچنین بین دو واژه *(أَمْوَالٍ وَبَنِينَ)* نیز رابطه مراعات نظیر وجود دارد، بین واژگان *(أَصَابِعِ وَّ أَدَانٍ)* در آیه ۷، واژگان *(نُورًا وَّ سِرَاجًا)* در آیه ۱۶، رابطه بین دو واژه *(الْقَمَرَ وَّ الشَّمْسَ)* در این آیه نیز مراعات نظیر است، بین واژگان *(فَاجِرًا وَّ كَفَّارًا)* در آیه ۲۷، واژگان *(وَدًّا وَّ سُوعَاً وَّ يَغُوثَ وَّ يَعْقُوقَ وَّ نَسْرًا)* در آیه ۲۳ مراعات نظیر وجود دارد. ممکن است در اینجا این سؤال برای خواننده مطرح شود که چگونه است که این کلمات *وَدًّا وَّ سُوعَاً وَّ يَغُوثَ وَّ نَسْرًا* در قسمت شمول معنایی نیز آورده شده بودند؟ در جواب باید گفت که در قسمت شمول معنایی رابطه هر یک از این کلمات با کلمه آلهه که واژه شامل شناخته شده بود، مدنظر بود اما در این قسمت رابطه این واژگان با یکدیگر مهم است نه با واژه‌ای دیگر.

باهم‌آیی دستوری: باهم‌آیی دستوری بدین معناست که دو یا چند واژه که ارتباط خاصی از نظر معنایی یا از نظر ساختاری با هم دارند، در ترکیب‌های مختلف دستوری در کنار هم قرار گیرند. باهم‌آیی دستوری در سوره نوح به چهار صورت به کار رفته است:

فعل و فاعل: در این قسمت بین فعل و فاعل آن، رابطه خاصی وجود دارد که هم‌نشینی آن دو برای مخاطب آشنا است. در آیه *(أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا)* (۱۵) بین دو واژه (خلق) و (الله)

صفت، برای واژه عذاب است. این کثرت به کارگیری سبب شده است رابطه معنایی قوی بین این دو واژه به وجود بیاید. ب: أجل مسمی در آیه (يَغْفِرُ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرُكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى) (۲) واژه مسمی در آیات متعددی از قرآن تنها صفت برای کلمه أجل است؛ همان‌گونه که در سوره نوح نیز صفت برای این واژه است که این امر بر ارتباط قوی بین این دو واژه دلالت می‌کند.

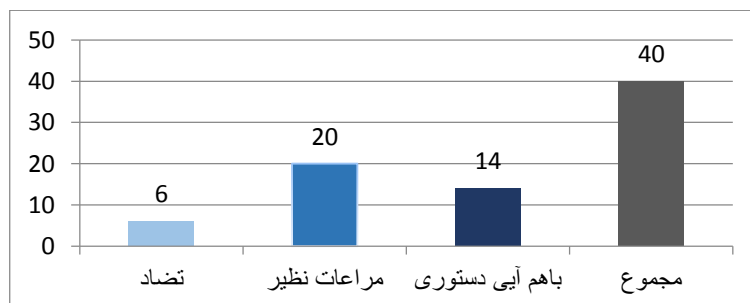
فعل و حرف جر: در زبان عربی برخی از افعال با حروف معین به کار می‌روند و بیان فعل مستلزم بیان حرف مخصوص به آن است؛ همانند فعل «حصل» که با حرف «علی» به کار می‌رود و نیز همانند «تکون» با حرف «من» و فعل «مال» با حرف «إلی» و... (عکاشه، ۱۳۹۰ش، ص ۲۰۳). در سوره نوح نیز افعالی وجود دارد که با حرف خاصی به کار رفته‌اند.

دو فعل یغفر و اغفر با حرف «ل» به کار رفته‌اند: (يَغْفِرُ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرُكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى) (۲) و (رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ) (۲۸). فعل غفر غالباً بعد از حرف لام به کار می‌رود؛ همان‌گونه که در فرهنگ لغت‌های عربی نیز با این حرف به کار رفته است. غفر الله له ذنبه (المعجم الوسيط، ۲۰۰۴، ص ۶۵۶).

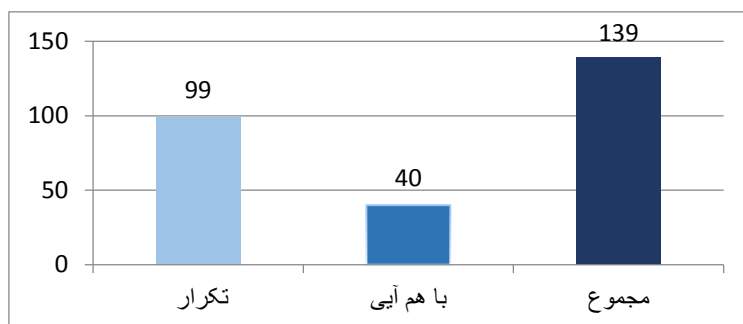
رابطه باهم‌آیی وجود دارد که به صورت فعل و فاعل به کار رفته‌اند.

فعل و مفعول به: در این نوع بین فعل و مفعول به آن، رابطه معنایی نزدیکی وجود دارد. در سوره نوح در آیه (أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا) (۳) بین واژگان (اعبدوا) و (الله) رابطه معنایی قوی وجود دارد، که به صورت فعل و مفعول به کار رفته‌اند، همچنین بین دو واژه (استغشوا) و (ثياب) در آیه (وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا) (۷) و بین دو کلمه (استغفروا) و (رب) در آیه (فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا) (۱۰) رابطه معنایی نزدیکی وجود دارد که سبب همنشینی این واژگان شده است.

موصوف و صفت: گاهی برخی از واژگان تنها با واژه خاصی وصف می‌شوند و همچنین گاهی برخی از صفات تنها با واژگان خاصی به کار می‌روند و تنها به آن‌ها اختصاص دارند، همچنین صفاتی یافت می‌شود که با واژگان متعدد به کار می‌روند؛ اما همراهی آن‌ها با یک واژه از بسامد بیشتری نسبت به واژگان دیگر، برخوردار است. در سوره نوح دو نمونه از این باهم‌آیی وجود دارد، أ: (عذاب أليم) در آیه (إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) (۱) واژه أليم در آیات بسیاری از قرآن



نمودار ۲: بسامد انواع باهم‌آیی‌ها



نمودار ۳: بسامد ابزارهای واژگانی

عَصَوْنِي وَأَتَّبِعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا) (۲۱) و (وَمَكَرُوا مَكْرًا كُبَّارًا) (۲۲) آن‌ها را با دو لفظ الظالمین و الکافرین خطاب می‌کند.

ارجاع: هلیدی و رقیه حسن در اختلاف بین جایگزینی و ارجاع گفته‌اند: جایگزینی رابطه‌ای است که بین عناصر زبانی یعنی بین واژگان و عبارات وجود دارد؛ اما ارجاع رابطه‌ای است بین معانی، پس جایگزینی رابطه‌ای است در سطح واژگانی نحوی؛ اما ارجاع رابطه‌ای است در سطح معنایی (محمد، ۲۰۰۹م، ص ۱۱۳).

گاهی تعبیر و تفسیر برخی واژگان در متن نیازمند تعبیر و تفسیر واژگانی دیگر در همان متن است و برای فهم آن باید به سراغ مراجع آن‌ها برویم (احمدی و استواری، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۲). واژگانی که در درون متن به آن‌ها ارجاع داده می‌شود به خودی خود معنای کاملی ندارند و برای مشخص کردن معنای دقیق آن‌ها باید به واژگانی که به آن‌ها ارجاع داده شده‌اند رجوع کرد.

ارجاع در متن با ضمیر، اسم اشاره، اسم موصول صورت می‌گیرد و به دو صورت پیش مرجع و پس مرجع است. در ارجاع پیش مرجع، واژه مرجع دار (ضمیر، اسم اشاره و اسم موصول) پس از مرجع خود قرار می‌گیرد و در پس مرجع، واژه مرجع دار قبل از مرجع خود واقع می‌شود. ارجاع از شایع‌ترین ابزار

انسجام دستوری: شامل سه عامل جایگزینی، ارجاع و حذف است.

جایگزینی: به این معناست که یک واژه یا یک عبارت را جایگزین واژه و عبارتی دیگر کنیم. در سوره نوح واژگانی وجود دارد که جایگزین واژگانی دیگر شده‌اند و در انسجام متنی سوره مؤثر هستند؛ چرا که مدلول دو واژه یکی است و تنها لفظ دال بر آن تغییر یافته است؛ لذا این عامل جایگزینی را هم چنین می‌توان از انواع تکرار معنایی به شمار آورد. عامل جایگزینی در سوره نوح نمونه‌های زیر را دربر می‌گیرد:

واژه رَبِّ در آیه (قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا) (۵)، جایگزین واژه الله در آیه قبل (إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ) (۴) شده است. این دو واژه چندین بار در سوره نوح به صورت متناوب جایگزین یکدیگر شده‌اند. همچنین دو واژه الظالمین و الکافرین در آیات (وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا) (۲۴) و (وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا) (۲۶) جایگزین واژه قوم در آیه (قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا) (۵) شده است. در ابتدای سوره که سخن از دعوت حضرت نوح از قبیله خود به یکتاپرستی است، آن‌ها را با لفظ قوم خطاب می‌کند؛ اما در پایان سوره که دعوت او را اجابت نکرده‌اند، با توجه به آیات (قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ

انسجام متنی در زبان عربی به شمار می‌رود، و با برقراری رابطه بین کلمات و جملات مختلف نقش بسزایی را در انسجام متنی ایفا می‌کند (الزناد، ۱۹۹۳، ص ۱۱۹).

ارجاع به دو صورت برون‌متنی و درون‌متنی است. در ارجاع برون‌متنی مرجع در خارج از متن قرار دارد. ارجاع برون‌متنی فاقد نقش انسجام‌بخشی است (یاسقی و فلاحی، ۱۳۸۹ ش، ص ۳۳۱). ارجاع در سوره نوح نمونه‌های زیر را دربر می‌گیرد:

جدول ۳: نمونه‌هایی از ارجاع در سوره نوح

واژه مرجع، شماره آیه	ضمیر ارجاع داده شده	نوع ضمیر	تعداد ارجاع، شماره آیات
نوح، آیه ۱	أنت	مستتر در فعل أُنذِر	یک بار، آیه ۱
	ک	بارز	یک بار، آیه ۱
	هو	مستتر در فعل قال	دو بار، آیات ۲-۵
	ی تُ	بارز بارز	دوازده بار، آیات ۲-۵-۶-۷-۸-۹-۲۱-۲۸ شش بار، آیات ۵-۷-۸-۹-۱۰
قوم، آیه ۱	هم	بارز	یک بار، آیه ۱
قوم، آیه ۲	واو	بارز (مخاطب)	چهار بار، آیات ۳-۴
	کم	بارز	سه بار، آیه ۴
	تم	بارز	یک بار، آیه ۴
قوم، آیه ۵	هم	بارز	سیزده بار، ۶-۷-۸-۹-۲۱-۲۵-۲۷
	واو	بارز (مخاطب و غائب)	سیزده بار، ۷-۱۰-۱۳-۱۵-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴
	کم	بارز	ده بار، ۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۷-۱۸
الله، آیه ۳	ه	بارز	یک بار، آیه ۳
	هو	مستتر در افعال یَغْفِر و یُوْخِر	دو بار، آیه ۴
أجل، آیه ۴	هو	مستتر در افعال جاء و یُوْخِر	دو بار، آیه ۴
ربّ، آیه ۵	أنت	مستتر در فعل تَغْفِر	یک بار، آیه ۶
ربّ، آیه ۱۰	ه	بارز	یک بار، آیه ۱۰
	هو	مستتر در افعال کان، یرسل، یمدد، یجعل.	چهار بار، آیات ۱۰-۱۱-۱۲
الله، آیه ۱۳	هو	مستتر در فعل خلق	یک بار، آیه ۱۴

یک بار، آیه ۱۶	مستتر در فعل جعل	هو	الله، آیه ۱۵
یک بار، آیه ۱۶	بارز	هنّ	سماوات، آیه ۱۵
سه بار، آیات ۱۷-۱۸	مستتر در افعال أنبت، یعیّد، یخرج	هو	الله، آیه ۱۷
یک بار، آیه ۱۸	بارز	ها	الأرض، آیه ۱۷
یک بار، آیه ۲۰	بارز	ها	الأرض، آیه ۱۹
یک بار، آیه ۱۹	مستتر در فعل جعل	هو	الله، آیه ۱۹
سه بار، آیه ۲۱	بارز	ه	منّ، آیه ۲۱
دو بار، آیه ۲۵ سه بار، آیه ۲۵	بارز بارز (غائب)	هم واو	الظالمین، آیه ۲۴
یک بار، آیه ۲۶ دو بار، آیه ۲۷	مستتر در فعل تذر بارز	أنت ک	ربّ، آیه ۲۶
یک بار، آیه ۲۷ دو بار، آیه ۲۷	بارز بارز (غائب)	هم واو	الکافرین، آیه ۲۶
دو بار، آیه ۲۸	مستتر در افعال أغفر و تذر	أنت	ربّ، آیه ۲۸
یک بار، آیه ۲۸	مستتر در فعل دخل	هو	منّ، آیه ۲۸

کممک ضمیاری که به آن ارجاع داده شده حضورش در سراسر سوره بسیار بارز گشته است و همانند شبکه‌ای مرتبط، اجزاء آن را به هم پیوند داده است، یا واژه قوم در آیه پنجم، ۳۶ بار در آیات مختلف به آن ارجاع داده شده است که این امر علاوه بر برقراری ارتباط مستقیم بین این واژگان، بسیاری از آیات را نیز به هم ربط داده است. این بسامد بالای ارجاعات در سوره نوح به برخی واژگان مانند: الله، ربّ، نوح، قوم و ... بر محوری بودن این واژگان دلالت دارد.

حذف: به معنی حذف یک یا چند واژه از یک جمله در قیاس با جملات پیشین آن است. گاهی برخی واژگان، عبارات و جملات در متن برای ایجاز

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده شد، در سوره نوح تمامی ارجاعات با ضمیر بارز و مستتر و از نوع ارجاعات درون‌متنی است. ارجاع در این سوره فراوان به کار رفته است و نقش بسیار مهمی را در انسجام آن دارد، چرا که برخی از مرجع‌ها در آیات مختلف با ضمیر متعدد، به آن‌ها ارجاع داده شده است و برای فهمشان که در زبان عربی جز اسم‌های مبهم هستند، باید به مراجعشان رجوع کرد، که این امر ارتباط محکمی را بین واژگان و آیات به وجود آورده است؛ مثلاً واژه نوح در آیه اول، ۲۲ بار با ضمیر مختلف در آیات متعدد، به آن ارجاع داده شده و این امر سبب تقویت ارتباط بین آیات است؛ چرا که این واژه به

توجه به وجود قرینه در متن رخ می‌دهد؛ لذا شناخت عنصر محذوف نیازمند رجوع به قرینه است، پس قرینه مرجعی برای محذوف قرار می‌گیرد که ممکن است قبل و یا بعد از محذوف باشد (فقی، ۲۰۰۰ م، ۲، ۲۲۹). حذف در سوره نوح در آیات متعددی رخ داده است. جدول زیر حذف حروف، واژگان و عبارات را نشان می‌دهد:

و پرهیز از تکرار حذف می‌شوند. وجود قرینه در حذف امری ضروری است تا از پیچیدگی و سردرگمی در متن جلوگیری کند.

حذف به دو دلیل سبب انسجام متنی می‌شود: الف) تکرار، عنصر محذوف غالباً مشتق از ماده عنصر مذکور و یا معنا و یا متعلقات آن است؛ لذا اگر عنصر محذوف در جمله آورده شود با نام تکرار شناخته می‌شود. ب) ارجاع، حذف عنصری از متن بیشتر با

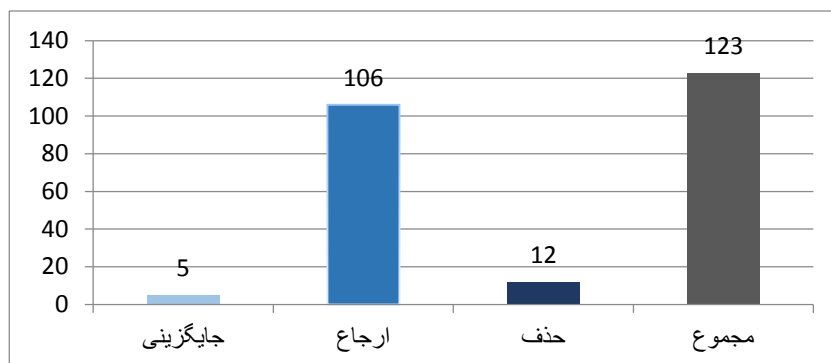
جدول ۴: حذف حروف، واژگان و عبارات

حذف در سوره نوح		
عبارت استعمال شده در سوره	عبارت محذوف	عبارت همراه محذوف
دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا (آیه ۵)	دَعَوْتُ قَوْمِي (۱ بار)	دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَدَعَوْتُ قَوْمِي نَهَارًا
وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا (آیه ۱۶)	فِيهِنَّ (۱ بار)	وَجَعَلَ الشَّمْسُ فِيهِنَّ سِرَاجًا
مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ (آیه ۲۱)	لَمْ يَزِدْهُ (۱ بار)	لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ
يُمَدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ (آیه ۱۲)	يُمَدِّدْكُمْ بَ (۱ بار)	يُمَدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيُمَدِّدْكُمْ بَنِينَ
وَلَا تَذَرْنَّ وِدًّا وَلَا سُوعًا وَلَا يَعْوْثَ وَيَعْوِقَ وَتَسْرًا (آیه ۲۳)	لَا تَذَرْنَ (۴ بار)	وَلَا تَذَرْنَ وِدًّا وَلَا تَذَرْنَ سُوعًا وَلَا تَذَرْنَ يَعْوْثَ وَلَا تَذَرْنَ يَعْوِقَ وَلَا تَذَرْنَ تَسْرًا
رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ (۲۸)	اغْفِرْ (۴ بار)	رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَأَغْفِرْ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَأَغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

فعال شدن ذهن خواننده می‌شود؛ چرا که خواننده باید به دنبال یافتن قرینه‌ای برای عبارت محذوف باشد؛ لذا ناچار است به جمله ماقبل برگردد تا بتواند معنی را به‌طور کامل دریافت کند، مثلاً در آیه (اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَالْمُؤْمِنَاتِ) فعل امر «اغفر» ۴ بار به‌خاطر وجود قرینه حذف شده است، خواننده زمانی که به واژه «لِلْمُؤْمِنِينَ» در این آیه می‌رسد ناخودآگاه به قرینه (فعل اغفر مذکور در ابتدای آیه) رجوع می‌کند و آن را در ذهن خود تداعی و تکرار می‌کند که این ارجاع و تکرار قرینه در انسجام

همان‌گونه که در جمله بالا مشاهده شد، حذف در سوره نوح به تعدد و اشکال مختلف رخ داده است. حذف در این سوره به‌دلیل وجود قرینه و با توجه به بافت جمله و متن رخ داده است؛ لذا هیچ‌گاه سبب ابهام و سردرگمی خواننده نمی‌شود و هیچ خللی در استمرار و تداوم معنی ایجاد نکرده است؛ چرا که عبارت مذکور جایگزین عبارت محذوف است و به آن اشاره کرده است. حذف در این آیات با جلوگیری از تکرار برخی عبارات که قرینه دارند، سبب ایجاز متن و مانع از اطناب آن شده است، هم‌چنین سبب

آیه مؤثر می‌شود. این ربط دادن عبارات و جملات به ماقبل خود نقش مهمی در بوجود آمدن انسجام متنی ایفا می‌کند.



نمودار ۴: بسامد ابزار انسجام دستوری

انسجام پیوندی

منظور از انسجام پیوندی، وجود ارتباط معنایی و منطقی بین جملات یک متن است. انسجام پیوندی به چهار نوع ارتباط اضافی (Additive)، سببی (Causal)، تقابلی (Adversative) و زمانی (Temporal) تقسیم شده است (لطفی پور ساعدی، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۱۴).

ارتباط اضافی زمانی رخ می‌دهد که جمله‌ای مطلبی را به محتوای جمله قبل اضافه کند. این جمله‌های اضافی می‌تواند جنبه توضیحی، تمثیلی و مقایسه‌ای داشته باشد.

ارتباط سببی زمانی رخ می‌دهد که رویداد فعل یک جمله با رویداد دیگر جمله‌ها ارتباط سببی و علی داشته باشد، این ارتباط شامل روابط علت، نتیجه، هدف و شرط است.

ارتباط تقابلی زمانی برقرار می‌شود که محتوای یک جمله برخلاف انتظاراتی باشد که جمله ما قبل آن نسبت به موقعیت متکلم و مخاطب به وجود می‌آورد.

ارتباط زمانی هنگامی رخ می‌دهد که نوعی توالی زمانی میان رویدادهای آن دو جمله برقرار باشد (یار محمدی، ۱۳۸۳ ش، ص ۵۹).

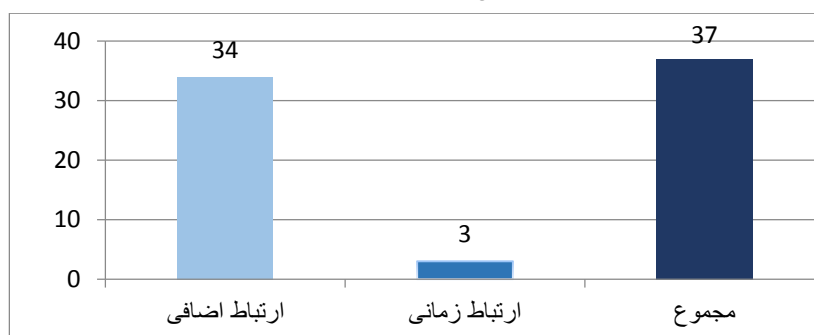
انسجام پیوندی در سوره نوح در دو نوع ارتباط نمود یافته است:

ارتباط اضافی: این نوع از ارتباط با دو حرف واو و فاء عطف، صورت گرفته است، حرف واو ۳۱ بار و حرف فاء ۳ بار در سوره تکرار شده است. کثرت استعمال این حروف عطف در سوره، انسجام متنی خاصی را ایجاد کرده است؛ چرا که این حروف عطف جمعا ۳۴ بار در سوره به کار رفته‌اند و هر حرف عطفی دو واژه یا دو عبارت و یا دو جمله را به هم متصل ساخته است که در کل سبب مرتبط ساختن ۶۸ واژه یا عبارت و یا جمله شده‌اند.

ارتباط زمانی: ارتباط زمانی تنها با حرف ثم که ۳ بار در سوره نوح در آیات ۸ - ۹ - ۱۸ تکرار شده، به وجود آمده است. این حرف در سوره نوح جمله‌ها را به یکدیگر وصل کرده است. حرف عطف «ثم» بعدیت و تأخیر را می‌رساند، در این سوره نیز بعدیت و تأخیر مرتبه‌ای را می‌رساند. این حرف یک بار در

۱۳۷۴ ش، ۲۰: ۴۴). در آیه هجدهم نیز دو آیه (وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا) و (ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيَخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا) را به هم عطف کرده است و بدین معناست که خداوند در ابتدا انسان را از خاک بوجود می‌آورد و زمانی که مرد او را دوباره به خاک بر می‌گرداند.

ابتدای آیه هشت (ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا) آمده است و بدین معناست که حضرت نوح قومش را اول به آرامی سپس با بانگ بلند دعوت کرده است. در آیه نهم (ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا) به این معناست که او بعد از دعوت با صدای بلند گاهی سرّی و گاهی علنی آن‌ها را دعوت کرده است، تا همه راه‌هایی را که ممکن است مؤثر باشند، امتحان کرده باشد (طباطبایی،



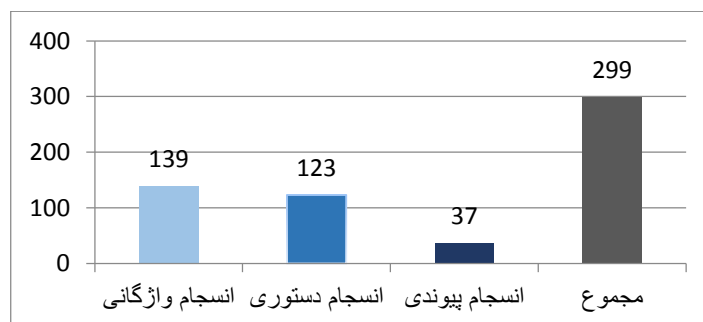
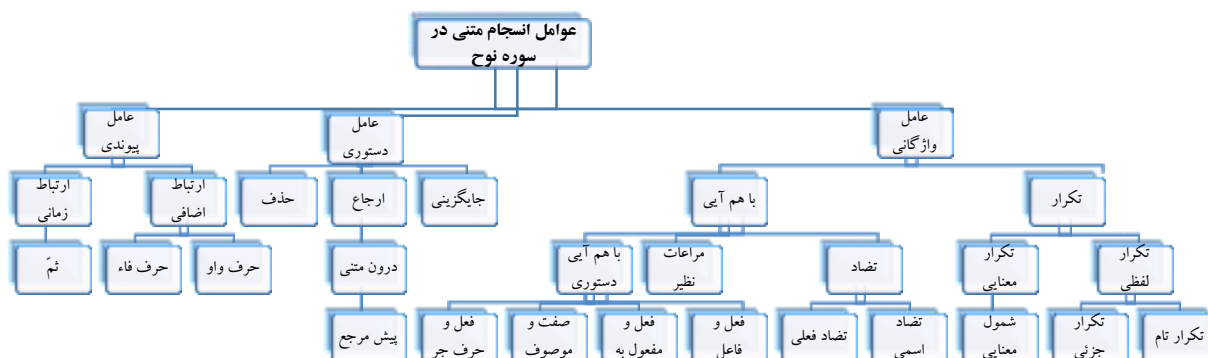
نمودار ۵: بسامد ابزار پیوندی

شمول معنایی (۶ نمونه) را در بر می‌گیرد. دوم: باهم‌آیی که تضاد (۶ نمونه)، مراعات نظیر (۲۰ نمونه) و باهم‌آیی دستوری (۱۴ نمونه) را شامل می‌شود. در بین عوامل واژگانی عامل تکرار بسامد بیشتری نسبت به عامل باهم‌آیی دارد. عامل دستوری در سوره نوح، جایگزینی (۵ نمونه)، ارجاع (۱۰۶ نمونه) و حذف (۱۲ نمونه) را در بر می‌گیرد، که به ترتیب ارجاع، حذف و جایگزینی بیشترین بسامد را در سوره دارند. عامل پیوندی در سوره نوح به دو صورت اضافی (۳۴ نمونه) و زمانی (۳ نمونه) وجود دارد که ارتباط اضافی نسبت به ارتباط زمانی بسامد بالایی دارد. در جدول و نمودارهای زیر عوامل انسجام متنی، زیرشاخه‌ها و بسامد آن‌ها نشان داده می‌شود.

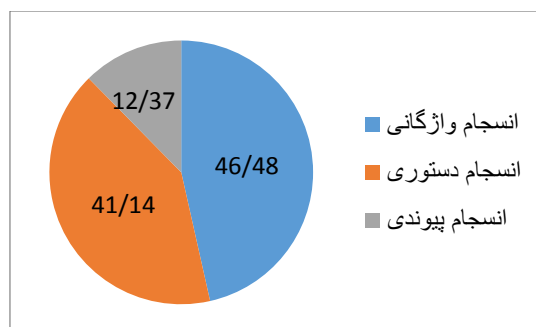
نتیجه

در مقاله حاضر که عوامل انسجام متنی در سوره نوح را بررسی کرد، مشاهده شد که سوره مذکور انسجام متنی بالایی برخوردار است و واژگان و جملات به وجود آورنده آن، ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. این امر سبب شده است که شاکله سوره همانند بنایی باشد که تمامی اجزاء آن با هم مرتبط‌اند. عوامل به وجود آورنده انسجام متنی در سوره نوح به سه دسته: واژگانی، دستوری و پیوندی تقسیم می‌شوند. هر یک از این عوامل خود چند قسمت دارند. عامل واژگانی در سوره نوح خود به دو دسته تقسیم می‌شود: یک، تکرار که شامل تکرار لفظی و معنایی است. تکرار لفظی به دو صورت تام (۴۷ نمونه) و جزئی (۴۶ نمونه) به کار رفته است. تکرار معنایی نیز

جدول ۵: عوامل انسجام متنی، زیرشاخه‌ها و بسامد آن‌ها



نمودار ۶: بسامد عوامل انسجام متنی



نمودار ۷: درصد عوامل انسجام متنی

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. احمدی، علی‌رضا و استواری، اصلان، (۱۳۹۰) «انسجام متنی ابزاری زبان‌شناسی برای شناخت سبک‌های ادبیات فارسی»، مجله مطالعات زبانی بلاغی، شماره سوم، صص ۷-۲۰.
۳. برکاوی، عبد الفتاح عبد العلیم، (۱۹۹۱ م)، *دلالة السیاق بین التراث وعلم اللغة الحدیث*، قاهره: دار الکتب.
۴. پالمیر، فرانک، (۱۳۷۴ ش)، *نگاهی تازه به معناشناسی، کوروش صفوی*، تهران: نشر نو.

۵. حسان، تمام، (۱۹۹۳ م)، *البيان في روائع القرآن* دراسة لغوية وأسلوبية للنص القرآني، قاهره: عالم الكتاب.
۶. حلوة، نوال بنت ابراهيم، (۲۰۱۲ م)، *أثر التكرار في التماسك النصي مقارنة معجمية تطبيقية في ضوء مقالات د. خالد منيف*. رياض: جامعة الأميرة نورة بنت عبد الرحمن.
۷. خطيب قزويني، (۲۰۰۳ م)، *الإيضاح في علوم البلاغة المعاني والبيان والبدیع*، بيروت: دار الكتب العلمية.
۸. خليلي جهان تيغ، مريم، (۱۳۸۰ ش)، *سيب جان*، تهران: سخن.
۹. الزناد، الأزهر، (۱۹۹۳ م)، *نسيج النص (بحث في ما يكون به الملفوظ نصاً)*، الدار البيضاء: المركز الثقافي العربي.
۱۰. صلح جو، علي، (۱۳۷۷ ش)، *گفتمان و ترجمه*، تهران: مركز.
۱۱. طباطبائي، سيد محمد حسين، (۱۳۷۴ ش)، *ترجمه تفسير الميزان*، مترجم سيد محمد باقر موسوي همداني، قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
۱۲. عبدالمجيد، جليل، (۱۹۹۸ م)، *البدیع بين البلاغة العربية و اللسانيات النصية*، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۱۳. علاوي، العيد، (۲۰۱۱ م)، *التماسك النحوي أشكاله و آلياته دراسة تطبيقية لنماذج من شعر محمد العيد آل خليفة*، مجله قراءات، صص ۱۱۹-۱۴۰.
۱۴. فقی، صبحی ابراهیم، (۲۰۰۰ م)، *علم اللغة النصی بین النظرية و التطبيقی دراسة تطبيقية علی السور المکیة، قاهره: دار قباء.*
۱۵. لطفی پور ساعدی، کاظم، (۱۳۸۵ ش)، *درآمدی به اصول و روش ترجمه*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ هفتم.
۱۶. -----، (۱۳۷۱ ش)، *درآمدی به سخن کاوی*، مجله زبان شناسی، سال ۹، شماره ۱، صص ۱۰۹-۱۲۲.
۱۷. مجمع اللغة العربية، (۲۰۰۴ م)، *المعجم الوسيط*، چاپ ۴. قاهره: مكتبة الشروق الدولية.
۱۸. محمد، عزة شبیل، (۲۰۰۹ م)، *علم لغة النص النظرية و التطبيقی*، الطبعة الثانية، القاهرة: مكتبة الآداب.
۱۹. مختار عمر، احمد، (۱۹۹۸ م)، *علم الدلالة*، چاپ ۵، قاهره: عالم الكتاب.
۲۰. مهاجر، مهران و محمد نبوی، (۱۳۷۶ ش)، *به سوی زبان شناسی شعر: ره یافتی نقش گرا*، تهران: نشر مرکز.
۲۱. یاحقی، محمد جعفر و محمد هادی فلاحي، (۱۳۸۹ ش)، *انسجام متنی در غزلیات سعدی و بیدل دهلوی*، بررسی و مقایسه ده غزل سعدی و ده غزل بیدل، مجله ادب و زبان، شماره ۲۷، صص ۳۲۷-۳۴۶.
۲۲. یار محمدی، لطف اله، (۱۳۸۳ ش)، *گفتمان شناسی رایج و انتقادی*، تهران: انتشارات هرمس.

